

عنوان مقاله:

روش‌های پیامبر ﷺ در جلوگیری از انحراف و رکود فکری

پدیدآور: زکيه خاكسار

پاییز ۱۳۹۵

چکیده:

نبی مکرم اسلام ﷺ به عنوان بزرگترین مصلح جهانی بشریت، رسالت جاوید خویش را در جهل زدایی و نهادینه کردن تفکر صحیح، به طور همه جانبه آغار نمودند و یکی از مهمترین اقدامات حضرت در این زمینه، جلوگیری از انحراف و رکود فکری در اجتماع بوده است که هدف از این پژوهش بررسی روش‌های متنوعی است که حضرت نسبت به مقابله‌ی با این امر، بکار بردند.

بررسی‌های انجام شده در سیره‌ی نبوی حاکی از آن است که حضرت با تکیه بر تفکر توحیدی و بیدار کردن فطرت مسلمین، به هویت سازی جمعی و خردپروری تحت لوای ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام به عنوان مهمترین سد دفاعی در برابر عوامل منحرف کننده‌ی تفکر از مسیر صحیح آن، مبادرت ورزیده و برای برچیدن عوامل زمینه ساز جمود و انحطاط فکری از قبیل شبهات، مغالطات، خرافات و بدعت‌ها، اهتمام ویژه‌ای داشتند؛ به طوری که در پرتو این تلاش‌ها با برطرف کردن تاریکی جهالت و روشن نمودن اذهان عمومی، پایه‌های سلامت فکری و سعادت‌مندی بشریت را بنیان نهادند.

واژگان کلیدی: رکود فکری، انحراف فکری، سیره نبوی، تفکر

مقدمه:

تفکر ویژگی متمایز کننده انسان از سایر مخلوقات است که اگر به مسیر صحیح خود هدایت شود، موجبات رشد و تعالی انسان و سعادت‌مندی جامعه را فراهم می‌آورد و چگونگی مواجهه با عوامل و زمینه‌های رشد و یا انحراف فکری در طول تاریخ، تعیین کننده‌ی سعادت و یا شقاوت ملت‌ها بوده است.

از آن‌جا که پیشرفت و سعادت‌مندی جوامع در همه‌ی اعصار به نوعی رابطه‌ی مستقیمی با رشد فکری آن‌ها دارد و از طرفی انحراف و رکود فکری در زمره‌ی بزرگترین موانع نهادینه کردن تفکر صحیح می‌باشد؛ به کاربردن شیوه‌های مقابله با عوامل انحراف فکری ضروری می‌باشد.

لذا این پژوهش در پاسخ به این سوال اصلی تدوین گردیده است که رسول الله ﷺ از چه راهکارهایی برای جلوگیری از رکود و انحراف فکری مسلمین در جامعه بهره جستند که توانستند جامعه‌ای عجین شده با فرهنگ جاهلی را متحول نموده و در مسیر سعادت‌مندی قرار دهند؛ که در ادامه به این گوشه‌ای از این روش‌ها اشاره خواهد شد.

۱- درونی سازی محبت اهل بیت (علیهم‌السلام)

پس از رحلت رسول الله ﷺ نیز جامعه اسلامی به یک معیار و میزان نیازمند بود تا هر گونه کژی و انحراف از اصول اساسی اسلام و خطوط فکری نبوی ﷺ را به وسیله‌ی آن تشخیص دهد، لذا نبی مکرم اسلام ﷺ چنین تمهیداتی را اندیشیده و اهل بیت (علیهم‌السلام) را به عنوان معیار عقل‌گرایی و مبانی تفکر شیعی به جامعه مسلمین معرفی نمودند؛ چرا که هر اندازه انسان بیشتر از عقل و اندیشه اش بهره مند باشد و در عالم عقل، تعالی یابد به حقایق معقول نزدیک‌تر می‌گردد و بهترین راه برای رسیدن به قرب حق تعالی، همین راه اندیشه و تعقل است.^۱

همچنان که پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: « يَا عَلِيُّ إِذَا تَقَرَّبَ الْعِبَادُ إِلَى خَالِقِهِمْ بِالْبِرِّ تَقَرَّبَ إِلَيْهِ بِالْعَقْلِ ؛ يَا عَلِيُّ! هَرِّ گاه بندگان به انواع نیکی‌ها به خداوند تقرب جستند، تو با انواع عقل و اندیشه به خدا تقرب بجوی»^۲

از طرفی حضرت میان عقل و دین رابطه مستقیمی را ترسیم نموده و می‌فرمایند: « إِنَّمَا يُدْرِكُ الْخَيْرُ كُلُّهُ بِالْعَقْلِ وَلَا دِينَ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ ؛ تمام خوبی‌ها با عقل به دست می‌آید و کسی که عقل ندارد، دین ندارد»^۳.

۱. علی احمد ناصح، نانسی ساکی، جایگاه عقل و تعقل در مبانی تفکر شیعه، فصلنامه شیعه شناسی، سال ششم، ش ۲۱، بهار ۱۳۸۷، ص ۲۲۵.

۲. نهج الفصاحه، ابوالقاسم پاینده، تهران، دنیای دانش، ۱۳۸۲ش، ص ۳۴۶.

۳. حسن بن علی بن حسین ابن شعبه حرانی، تحف العقول، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق، ص ۵۴.

و در جای دیگری حضرت بین عبادت و بندگی خداوند و میزان عقل افراد پیوند برقرار کرده و می‌فرماید: «لِكُلِّ شَيْءٍ دِعَامَةٌ وَ دِعَامَةُ الْمُؤْمِنِ عَقْلُهُ فَيَقْدِرُ عَقْلُهُ تَكُونَ عِبَادَتُهُ لِرَبِّهِ ؛ هر چیزی پشتیبانی دارد و پشتیبان مؤمن، خرد اوست. لذا بندگی مؤمن برای پروردگارش به اندازه خرد اوست».^۴

بنابراین با توجه به همین ارتباط مستقیم میان دینداری، عبودیت و خردورزی است که رسول خدا ﷺ اهل بیت را که از نظر عقل‌گرایی و سایر کمالات در اوج قرار دارند؛ به عنوان شاخصه‌ای برای رسیدن به قرب الهی دانسته و مودت آنان را لازمه‌ی تداوم خط نبوی دانستند.

در همین راستا رسول اکرم ﷺ در حدیث متواتر و معروف ثقلین که مورد استناد شیعه و سنی است؛ کتاب خدا و عترت و اهل بیت خویش را در کنار هم قرار داده و می‌فرماید:

«إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي مَا إِن تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا أَبَدًا إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ»^۵ «ای مردم، من در میان شما دو چیز گرانبها باقی می‌گذارم: کتاب خدا و عترتم یعنی اهل بیتم. مادامی که به این دو متمسک جوئید، هرگز گمراه نمی‌شوید. خداوند لطیف خبیر به من خبر داده و به من وعده داده است که این دو از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا بر سر حوض کوثر بر من وارد شوند». یعنی مسلمانان برای رسیدن به مقصد نهایی و سعادت اخروی باید متمسک به قرآن و اهل بیت عصمت و طهارت باشند تا از صراط مستقیم منحرف نشوند.

و باز حضرت در حضور مردم چنین فرمودند: «أَحِبُّوا اللَّهَ لِمَا يَغْذُوكُمْ بِهِ مِنْ نِعْمِهِ وَ أَحِبُّوا لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَحِبُّوا قَرَابَتِي لِي ؛ به خدا علاقه مند باشید زیرا غذای جسم و جان شما را فراهم می‌کند و برای رضای خدا به من علاقه مند باشید [زیرا من مجرای فیض او هستم] و به اهل بیت من علاقه مند باشید [زیرا آن‌ها رابطه میان من و شما هستند].»^۶

با توجه به این که پیامبر ﷺ عقل ممثل، صادر اول و عقل کل است،^۷ یک مسلمان برای کشف حقایق و اتصال به حقیقت ناگزیر است تا از وجود ائمه اطهار علیهم‌السلام بهره بگیرد و از طریق آنان به برکات وجودی حضرت

۴. محمد بن علی کراجکی، کنز الفوائد، قم، دارالذخائر، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۳۱.

۵. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ترجمه کمره ای، قم، اسوه، ۱۳۷۵ش، ج ۶، ص ۶۵۱.

۶. محد باقر مجلسی، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۷، ص ۱۴؛ عبدالله جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن، ج ۸، ص ۱۱۴.

۷. عبدالله جوادی آملی، پیامبر رحمت، قم، اسراء، ۱۳۸۵، ص ۲۵۵.

ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله دست یابد تا به مقدار و اندازه ظرفیت خویش از ادراکات عقلی برخوردار شود و از انحرافات فکری مصون بماند.

لذا رسول الله صلی الله علیه و آله در جای دیگری از قرآن مزد و اجر رسالت خود را، مودت اهل بیت خویش عنوان می‌کند: «لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى؛ من اجری از شما نمی‌خواهم مگر مودت و دوستی با اهل بیتم.^۸» که منظور از قریبی چنان چه از آیه برداشت می‌شود اقرای پیامبرند. به طوری که سعید بن جبیر می‌گوید: منظور از قریبی، ال محمد صلی الله علیه و آله است.^۹

در همین راستا پیامبر صلی الله علیه و آله مثل اهل بیت خویش را به کشتی ای دانستند که قادر است افراد را در دریای مواج جهل زدگی و طوفان‌های شدید منحرف کننده و بدعت زاء، با سلامت کامل به مقصد برساند؛ آن جا که حضرت می‌فرماید: «إِنَّ مَثَلَ أَهْلِ بَيْتِي فِي أُمَّتِي كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ فِي قَوْمِهِ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ!»^{۱۰} همانا مثل اهل بیت من در میان امتم، همانند کشتی نوح در بین قومش می‌باشد؛ هر کس سوارش شود نجات می‌یابد و هر کس از آن اعراض کند غرق می‌گردد.^{۱۱}

و در جای دیگری حضرت در پاسخ به سؤال مردی که پرسید آیا بهشت را می‌توان خرید، فرمودند: بله. «التَّوْحِيدُ ثَمَنُ الْجَنَّةِ؛ توحید بهای بهشت است.»^{۱۲} و حضرت یکی از شروط توحید را دوستی اهل بیت گرامی خویش عنوان فرمود. یعنی گفتن لا اله الا الله بدون اعتقاد و التزام به ولایت عترت طاهره و بدون خضوع در پیشگاه خاندان عصمت و طهارت که ثقل دیگری در قبال قرآن هستند ثمربخش نخواهد بود.^{۱۳}

حاصل سخن آن که چون مسیر هدایت و سعادت مسلمانان پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله از راه ولایت اهل بیت علیهم السلام می‌گذرد، نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله در موقعیت‌های متعدد به صورت فردی یا جمعی نسبت به محبت و مودت ایشان سفارش‌ها نمودند تا مردم راه را گم نکنند. چنان چه حضرت می‌فرماید: هر کس بر دوستی خاندان محمد صلی الله علیه و آله بمیرد، شهید مرده آمرزیده مرده، توبه کرده مرده، مؤمن و با ایمان کامل مرده، خداوند قبر او را زیارتگاه فرشتگان

^۸. سوره شوری (۴۲)، آیه ۲۳.

^۹. محمود بن ابوالحسن نیشابوری، ایجاز البیان عن المعانی القرآن بیروت، دارالغرب الاسلامی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۷۳۴.

^{۱۰}. سلیم بن قیس هلالی، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، قم، الهادی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۵۶۰.

^{۱۱}. محمد بن الحسن طوسی، امالی (لطوسی)، قم، دارالثقافه، ۱۴۱۴ق، ص ۵۷۰.

^{۱۲}. عبدالله جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن، قم، اسراء، ۱۳۷۹، ج ۹، ص ۲۸۴.

اما پیامبر ﷺ در احتجاج با مسیحیان فرمودند: شما می‌گویید خدا با عیسی متحد شده، چگونه درباره انبیای دیگر، قائل به اتحاد نشدید اما در خصوص عیسی ﷺ سخن از اتحاد به میان آوردید؟ سپس حضرت براهینی را اقامه کردند که بعد از آن، مسیحیان حاضر در جلسه چاره‌ای جز سکوت نداشتند.^{۱۰۶}

اما حضرت رسول ﷺ در احتجاج با ملحدان ابتدا از آنان سؤال می‌کنند که معیار شناخت شما چیست؟ به چه دلیل عالم آغاز و انجامی ندارد؟ ملحدان گفتند: چون برای عالم آغاز و مبدئی ندیدم و پایانی برای آن مشاهده نکردیم، مبدأ و معادی برای آن معتقد نیستیم، حضرت رسول ﷺ فرمودند: نگوئید چون ندیده‌ام نمی‌پذیرم. زیرا شناخت تنها شناخت حسی نیست، بلکه گوشه‌ای از شناخت را حس تأمین می‌کند. اما اصالت از آن عقل است، حتی در شناخت‌های حسی معرفت‌های احساسی به معرفت عقلی تکیه می‌کند و پشتوانه ادراک حس، همان بینش‌های عقلی است. آن گاه حضرت با یک تحلیل عقلی درباره حدوث و قدم و با استفاده از استحاله‌ی جمع نقیضین، شبهات مادیین را برطرف کردند.^{۱۰۷}

اما حضرت به دوگانه پرستان که عالم را دارای دو مبدأ خیر و شر می‌دانند ابتدا یک جواب نقضی ارائه دادند مبنی بر این که چون اضداد متنوعند و هر کدام با دیگری فرق دارند مانند سیاهی و سپیدی، نور و ظلمت و حرارت و برودت و ... پس شما به ثنویت قائل نیستید بلکه به «أرباب مُتَفَرِّقُونَ»^{۱۰۸} مبتلا هستید.^{۱۰۹}

بنابراین سیره‌ی نبوی بیانگر آنست که حضرت نسبت به برطرف کردن شبهات، خصوصا شبهات عقیدتی نسبت به آیین متعالی اسلام، اهتمام ویژه‌ای داشتند تا تاریکی جهالت را برطرف و جلوه‌های حق و حقیقت را برای همگان، اعم از مسلمانان و پیروان دیگر ادیان و حتی مشرکین آشکار نمایند و بدین ترتیب موجبات سلامت فکری و سعادت‌مندی بشریت را فراهم آورند. این دفع شبهات و مغالطات، براساس روش‌های استدلال عقلانی و

^{۱۰۶}. رک. احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج علی اهل النجاح، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۶؛ عبد علی بن جمع العروسی الحویزی، تفسیر نور الثقلین، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۲۰۷.

^{۱۰۷}. محمد باقر مجلسی، همان، ج ۹، ص ۲۶۲.

^{۱۰۸}. سوره یوسف، آیه ۳۹.

^{۱۰۹}. عبدالله جوادی آملی، تفسیر موضوعی، ج ۸، ص ۱۰۱.

برهانی صورت می گرفته که علاوه بر اقناع و سکوت مخالفان اسلام، آموزشی برای مسلمانان جهت توجه به روش های استدلالی و برهانی در مبارزه با کج فهمی های معاندان بوده است.

نتیجه:

در دین اسلام تعقل و خردورزی از جایگاه بسیار والایی برخوردار می باشد. به طوری که نبی مکرم اسلام ﷺ پایه های دین اسلام را بر محور عقل گرایی بنا نموده و در طول ۲۳ سال دعوت خویش به اسلام، در هر فرصتی مسلمین را نسبت به ارزش و جایگاه عقل مداری و آثار و پیامدهای مثبت آن آگاه می نمودند. اما حضرت این رسالت سنگین را تنها به حالت ایجابی و تلاش برای رشد و شکوفایی عقلی محدود نکردند بلکه ضمن شناسایی عوامل انحراف و مسبب رکود فکری در صدد سلب این موارد از جامعه اسلامی برآمده و مبارزه همه جانبه ای را برای جهل زدایی و فروپاشی کامل نظام جاهلی آغاز نمودند. به طوری که ایشان پیاده کردن معارف ناب توحیدی و هدایت فطرت در مسیر صحیح آن را سرلوحه اقدامات خویش قرار دادند تا با ایجاد هویت اسلامی در سطح فردی و اجتماعی و ایجاد انگیزه و اراده در آحاد مسلمانان، روحیه خودباوری آنان را برانگیخته و زمینه های تضارب آراء را در گردهمایی ها و تجمعات اسلامی فراهم نمایند و از طرفی ضمن برخورد با هر گونه خرافه و بدعت، شبهه زدایی و مقابله با تبلیغات سوء دشمنان را نیز در دستور کار خویش قرار دادند تا امر نهادینه کردن اصلاحات فکری و کاهش انحرافات آن در اجتماع مسلمین فراگیر شود؛ لذا برای شکوفایی مسلمین در عصر حاضر نیز بازخوانی و الگوگیری از سیره نبوی خصوصا در زمینه اشاعه خردپروری و تعقل گرایی امری ضروری و اجتناب ناپذیر است.

فهرست منابع:

* قرآن کریم

۱. ابن اثیر، الکامل، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران، موسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۷۱ش، ج ۷.
۲. ابن بابویه (صدوق) محمد بن علی، التوحید، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۹۸ق.
۳. ابن بابویه (صدوق) محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۴ق، ج ۲.
۴. ابن بابویه (صدوق) محمد بن علی، عیون اخبار الرضا، بیروت، الاعملى للمطبوعات، ۱۴۰۴ هـ.ق، ج ۱.
۵. ابن بابویه (صدوق) محمد بن علی، الامالی، بیروت، نشر اعلمی، چاپ پنجم، ۱۴۰۰ق.
۶. ابن بابویه (صدوق) محمد بن علی، الخصال، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ش، ج ۲.
۷. ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ترجمه: عبدالحمید آیتی، بی جا، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳، ج ۱.
۸. ابن شعبه حرانی حسن بن علی بن حسین، تحف العقول، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۹. ابن کثیر، البدایه و النهایه، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۷ق، ج ۳.
۱۰. آخوندی مصطفی، جنگ نرم در عصر رسول خدا، قم، زمزم، ۱۳۹۲.
۱۱. اصغری محمود، جایگاه عقل و علم در دعوت دینی، فصلنامه اندیشه حوزه، ش ۶۵، سال سیزدهم، مرداد و شهریور ۱۳۸۶.
۱۲. اکبرنژاد محمدتقی، ضعف عقلانیت زمینه ساز خرافه، فصلنامه حوزه ش ۱۵۲، سال ۲۶، تابستان ۱۳۸۸.
۱۳. برقی احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، قم، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ق، ج ۲.
۱۴. بروجرودی حسین، جامع الاحادیث، تهران، فرهنگ بشر، ۱۳۸۶ش، ج ۳۱.
۱۵. برومند اعلم عباس، مبانی نظری حکومت اسلامی پیامبر اعظم در مدینه، مسجد، ش ۱۰۱، سال پانزدهم، اردیبهشت ۱۳۸۵.
۱۶. پژوهش محمدحسین، خرافه ستیزی در اندیشه دینی از دیدگاه شهید مطهری، اندیشه حوزه، ش ۵۹، سال دوازدهم، مرداد و شهریور ۱۳۸۵.
۱۷. پژوهنده محمد حسین، تحجرگرایی در عرصه پنداری، رفتاری و کرداری، فصلنامه اندیشه حوزه، ش ۹۰، سال هفدهم، مهر و آبان ۱۳۹۰.
۱۸. ثعلبی نیشابوری ابواسحاق احمد بن ابراهیم، الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق، ج ۸.
۱۹. جمشیدی حسن، خرافه گرایی و بازتاب آن در قرآن، اندیشه حوزه، سال هفدهم، ش ۹۰، مهر و آبان ۱۳۹۰.
۲۰. جوادی آملی عبدالله، پیامبر رحمت، قم، اسراء، ۱۳۸۵.
۲۱. جوادی آملی عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن، قم، اسراء، ۱۳۷۹، ج ۸ و ۹.
۲۲. جوادی آملی عبدالله، زن در آینه جلال و جمال الهی، قم، نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۷۱.
۲۳. حسن جمشیدی، سیده نرگس تنهایی، الگوی مدنیت دینی ده سال حکومت نبوی (۲)، فصلنامه اندیشه حوزه، ش ۷۲، سال چهاردهم، ۱۳۸۷.

۲۴. حسینی جرجانی امیر ابوالفتوح ، آیات الاحکام، تهران، نوید، ۱۴۰۴ق، ج ۲.
۲۵. حسینیان حامد ، سیره پویا، چالش‌های فرا روی عمل به سیره و راه برون رفت از آن، تاریخ اسلام، ش ۵۸، سال پانزدهم، تابستان ۱۳۹۳.
۲۶. حق پناه رضا ، ویژگی های دعوت نبوی از منظر علامه طباطبائی، اندیشه حوزه، شماره ۶۵، مرداد و شهریور ۱۳۸۶.
۲۷. حمیدی عبدالله بن جعفر ، قرب الاسناد، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۳ق.
۲۸. دلشاد تهرانی مصطفی، سیره نبوی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات، وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۲، ج ۱.
۲۹. ربانی محمد حسن ، خرافه، به دور از ساحت دین، فصلنامه حوزه، ش ۱۵۲، سال بیست و ششم، تابستان ۱۳۸۸.
۳۰. رسولی محلاتی هاشم ، صحیفه علویه، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۹۶ش.
۳۱. رضا محمدی، اصول و روش‌های تربیتی از دیدگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، اندیشه حوزه، ش ۷۲، سال چهاردهم، مهر و آبان ۱۳۸۷.
۳۲. سبحانی جعفر ، بدعت، مجله تخصصی کلام اسلامی، ش ۷۵، سال نوزدهم، پاییز ۱۳۸۹.
۳۳. سماوی مهدی ، امامت در پرتو کتاب و سنت، ترجمه حسین صابری، حمیدرضا آژیر، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸.
۳۴. شریفانی محمد ، محسن قمی، مقایسه تطبیقی مدار حرکت تربیتی انسان در اسلام با اگزیستانسیالیسم، فصلنامه اندیشه نوین دینی، ش ۲۶، ۱۳۸۹ش.
۳۵. شهیدی شریف ، محمد رضا، بمانیان، نقش خدامحوری در شکل دهی به ساختار ، اجزا و عملکردهای معماری اسلامی ایران، ماهنامه کتاب ماه هنر ، شماره ۱۲۷، فروردین ۱۳۸۸.
۳۶. صدر محمد باقر ، دروس فی علم الاصول، نصر الله حکمت، قم، چاپ قدس، ۱۳۸۶.
۳۷. صفایی حایری علی ، حرکت(تحلیل جریان فکری و تربیتی انسان)، قم، نشر لیلہ القدر، ۱۳۸۶.
۳۸. صفری فروشانی نعمت الله ، حامد قرائتی، سیره ائمه علیهم السلام در مراسم و مواسم دینی؛ بررسی سبک زندگی امیر المومنین علی علیه السلام در ماه رمضان، تاریخ اسلام، ش ۵۸، تابستان ۱۳۹۳.
۳۹. طبرسی احمد بن علی ، الاحتجاج علی اهل النجاء، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳، ج ۱.
۴۰. طبرسی احمد بن علی ، الاحتجاج، ترجمه بهراد جعفری، تهران، اسلامیه، بی تا، ج ۱.
۴۱. طوسی محمد بن الحسن ، امالی(للطوسی)، قم، دارالثقافه، ۱۴۱۴ق.
۴۲. العروسی الحویزی عبد علی بن جمع ، تفسیر نور الثقلین، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق، ج ۲.
۴۳. علامه حلی حسن بن یوسف بن مطهر ، نهج الحق و كشف الصدق، بیروت، دارالکتاب اللبنانی، ۱۹۸۲م.
۴۴. علی احمد پناهی، ویژگی‌های مشاوره و مشاور از منظر دین، پژوهش و حوزه، ش ۳۲، سال هشتم، زمستان ۱۳۸۶.
۴۵. علیزاده فرهاد ، محمد تقی نوروزی، بررسی شیوه های پیشگیری از تعارض سازمانی در سیره نبوی، اسلام و پژوهش های مدیریتی، شماره ۵، سال دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۱.
۴۶. عوقی وحید ، فاصله ی قدرت از دیدگاه فرهنگ جامعه مهدوی، اسلام و پژوهش های مدیریتی، شماره ۱، تابستان ۱۳۹۰.
۴۷. فتاحی زاده فتحیه ، مبارزه پیامبر صلی الله علیه و آله با آداب و رسوم خرافی، فصلنامه شیعه شناسی، ش ۲۱، سال ششم، بهار ۱۳۸۷.

۴۸. فرخی محمد رضا ، شاخص های هویت اسلامی در جامعه نبوی، گرفته شده از سایت پژوهشکده باقر العلوم(ع) <http://www.pajoohe.com/fa> /گرفته شده در ۹۵/۵/۱۵.
۴۹. کراجکی محمد بن علی ، کنز الفوائد، قم، دارالذخائر، ۱۴۱۰ق، ج ۲.
۵۰. کلینی محمد بن یعقوب ، اصول کافی، ترجمه کمره ای، قم، اسوه، ۱۳۷۵ش، ج ۶.
۵۱. کلینی محمد بن یعقوب ، اصول کافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق، ج ۱ و ۳.
۵۲. گروه سیاست و جامعه، رهبری و بایسته‌ها، فصلنامه اندیشه حوزه، ش ۷۷ و ۷۸، سال پانزدهم، مرداد و شهریور، مهر و آبان ۱۳۸۸.
۵۳. مجلسی محمد باقر ، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۷ و ۱۶ و ۹ و ۵۵.
۵۴. مدنی شیرازی علی خان بن احمد کبیر ، الطراز الأول و الكنز لما علیه من لغة العرب المعول - مشهد، ۱۳۸۴ش، ج ۸.
۵۵. مدنی شیرازی علی خان بن احمد کبیر ، الطراز الأول و الكنز لما علیه من لغة العرب المعول - مشهد، ۱۳۸۴ش، ج ۸.
۵۶. مشایخ فاطمه ، قصص الانبیاء، تهران، انتشارات فرحان، ۱۳۸۱ش.
۵۷. مصباح حسین همایون ، غلوگرایی در دین، آسیب‌ها و آفات دینداری غلوگرایانه، فصلنامه حوزه، ش ۱۵۲، سال ۲۶، تابستان ۱۳۸۸.
۵۸. مطهری مرتضی ، فطرت، تهران، صدرا، ۱۳۶۹.
۵۹. مطهری مرتضی ، یادداشت‌های شهید مطهری، تهران، صدرا، ۱۳۷۷، ج ۱۱.
۶۰. مطهری مرتضی، مقدمه ای بر جهانبینی اسلامی ۲ (جهانبینی توحیدی)، تهران، ناشر صدرا، ۱۳۸۹.
۶۱. معین محمد ، فرهنگ فارسی، تهران، نامن، ۱۳۸۸، ج ۴.
۶۲. مفتخری حسین ، تمدن اسلامی مبانی و مولفه های اساسی آن، فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام، سال یکم، شماره دوم، تابستان ۱۳۷۹.
۶۳. مکارم شیرازی ناصر ، تفسیر نمونه، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶، ج ۶.
۶۴. مکارم شیرازی ناصر ، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ش، ج ۶.
۶۵. ناصح علی احمد ، نانسی ساکی، جایگاه عقل و تعقل در مبانی تفکر شیعه، فصلنامه شیعه شناسی، سال ششم، ش ۲۱، بهار ۱۳۸۷.
۶۶. نهج الفصاحه، ابوالقاسم پاینده، تهران، دنیای دانش، ۱۳۸۲ش.
۶۷. نوایی علی اکبر ، جامعیت، پاسخگویی و وحدت آفرینی در دعوت نبوی، اندیشه حوزه، ش ۶۵، سال سیزدهم، مرداد و شهریور ۱۳۸۶.
۶۸. نور بخش وحید رضا ، شهد شریعت در کام طوایف بدوی (پیامبر و جامعه سازی)، حدیث زندگی، شماره ۳۲، زمستان ۱۳۸۵.
۶۹. نوری حسین بن محمد تقی ، مستدرک الوسائل، قم، موسسه ال البيت(ع)، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱.
۷۰. نیشابوری محمود بن ابوالحسن ، ایجاز البیان عن المعانی القرآن بیروت، دارالغرب الاسلامی، ۱۴۱۵ق، ج ۲.
۷۱. هلالی سلیم بن قیس ، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، قم، الهادی، ۱۴۰۶ق، ج ۲.
۷۲. واقدی محمد بن عمر ، المغازی، ترجمه: محمود مهدی دامغانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۹ش.
۷۳. یعقوبی احمد بن اسحاق ، تاریخ یعقوبی، ترجمه: محمد ابراهیم آیتی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱ش، ج ۱.